

نگاه بک

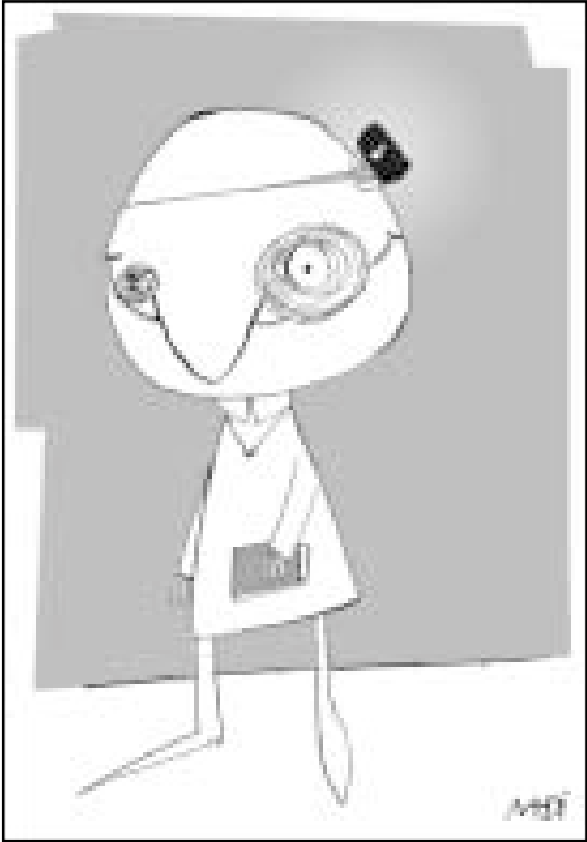
نمایشگاه کتاب شروع شد، به همین سادگی مثل هر سال، به تب ده روزه که با سلام و صلوات میاد تا به کتاب علاقمندان کند، ده روز می مونه و بعد می ره تا سال بعد که باز م در میان بمباران تبلیغاتی رسانه ها...امروز که داشتیم تو رؤیاهام درست زیر درخت های بی سرانجام و فراوان آرزوهام قدم می زدم ناخواسته رسیدم و ابروهای درهم کشیده و پرچروک مادر بزرگ که با اون دماغ گنده و عینک ذره بینی اش در حال سان دیدن هر روزه اش از جلوی رؤیاهام، چهره در هم می کشد و با صدایی تحقیر کننده، مثل همه بزرگترها می گفت: «این آرزوهای سادومازوخیستی چیه که تو داری، برو فکر زن و زندگی باش دیوونه!یعنی چی که ای کاش نمایشگاه کتاب هم مثل نمایشگاه پوشاک (بهاره؟) غلغله می شد، یعنی چی که ای کاش این روزها هم داد و بیداد-یه نفر نمایشگاه-راننده ها از گوشه و کنار شهر گوش فلک رو کر می کرد. یعنی چی که ای کاش این روزها هم برای سوار شدن ماشین های نمایشگاه سرو دست می شکستیم، دعوا می کردیم، درگیر می شدیم، ناز می کشیدیم و با طیب خاطر کرایه های چند برابر می دادیم فقط به این خاطر که به نمایشگاه برسیم، یعنی...شکر، که خدا خرش رو شناخت و بهش شاخ نداد. حال پاشو خیلی راحت سوار یکی از اتوبوس های جمالزاده-تجریش شو و بدون وقفه های ترافیکی و بی خیال انتظار رسیدن محل نامناسب نمایشگاه رو از پشت شیشه ها ز مزمه کن.

پانزدهمین نمایشگاه بین المللی کتاب تهران در حالی با غیبت ریاست جمهوری و سخنان کرویبی آغاز به کار کرد که به گفته رئیس و معاونین برگزار کننده بسیار متفاوت تر از دوره ها و سالیان گذشته خواهد بود که این تفاوت کاملاً در چیدمان غرفه ها، تزئین سالن ها و در مجموع ایجاد جاذبه برای علاقمندان خصوصاً جوانان مشهود خواهد بود.

نگاه دو:

از اتوبوس که پیاده می شوی از دحام نه چندان سنگین راهروهای سنگ فرش شده، روبروی درب ورودی بارقه هایی از امید را در دلت روشن می کند تو را آزادتر از افکار آزاردهنده بی تفاوتی به نمود عقلانیت فرهنگی و قومی مستتر در نام کتاب مجذوب فروشنده های میان راه می کند، دمپایی، صندلی، تی شرت، کیف، رنده و...، که در گوشه و کنار مسیر ورودی بساط خود را فارغ البال پهن کرده اند که اتفاقاً اطرافشان نیز چندان خلوت نیست و تو را در حال و هوای کشف ارتباط دمپایی و رنده و...با کتاب وارد فضای آشنای نمایشگاه می کن.

در نمایشگاه امسال کتاب تهران بیش از ۵۵۰ ناشر خارجی از ۳۷ کشور



جهان با ۷۵ هزار عنوان کتاب حضور دارند که آمار آن نسبت به سالیان گذشته رشدی ۲۰ درصدی در میزان حضور ناشران و ۳۰ درصدی در عنوان های کتاب را نشان می دهد همچنین بیش از ۱۸۰۰ ناشر داخلی که در ۱۷ سالن و مجموعاً ۱۰۵۰ غرفه زیر نظر ریاست افتخاری هر روزه یکی از شخصیت های بلندپایه داخلی



جوانان بی ساز و برگ کتاب نمی خواهند

و خارجی به ارائه آثار منتشر شده خود می پردازند.

نگاه سه:

نگاهی به اطرافیان آقا و خانمی که بی تفاوت از کنار هم می گذرند نکته ای نه آماری بلکه حسی و تجربی را برایت آشکار می کند. اینکه اکثر بازدیدکنندگان از نمایشگاه را افراد آویزان در دوران جوانی و میانسالی تشکیل می دهند و کمتر جوان و نوجوانی را در این بین خواهی دید که در این تعداد اندک هم هستند کسانی که تنها برای تفریح، تماشا، وقت گذرانی و احیاناً استفاده از بروشورها و برگه های رایگان کامپیوتری و...آمده اند که یکی از ناشران کتب درسی و پیش دانشگاهی آنها را از اجزای لاینفک نمایشگاه دانسته که تنها شلوغی نمایشگاه را دامن می زنند و دیگر هیچ، اما از آنجا که می دانی این مسأله مطمئناً در آینده طی جوابیه یا آماری تکذیب خواهد شد چندان جدی اش نمی گیری و می روی.

پانزده سال از آغاز اولین دوره نمایشگاه بین المللی کتاب تهران می گذرد که بنابر آمار ارائه شده هر سال نیز رشد کمی و کیفی قابل توجهی را در زمینه های مختلف شاهد بوده است که بی گمان حکایت از تلاش قابل تقدیر جامعه فرهنگی و دست اندرکاران و عوامل وابسته به آن در ارتقاء رتبه و مقام این مراسم سالیانه به جایگاه سوم در خاورمیانه از لحاظ وسعت (بعد از نمایشگاه قاهره و لبنان) و مقام اول نمایشگاه های کتاب جهان از نظر بازدید کننده (۲ میلیون نفر) دارد که در جای خود می تواند مایه خوشحالی، خرسندی و افتخار هر ایرانی فرهنگ دوستی باشد اما سوالاتی که همواره و در طی گذر سالیان از پس این آمار و ارقام خیره کننده خودنمایی کرده و می کند همانا این است که چطور پس از برگزاری پانزده دوره نمایشگاه بین المللی، صنعت نشر کشور هنوز باید از شمارگان ۱۰۰۰ یا ۲۰۰۰ نسخه ای کتاب رنج ببرد، چرا هنوز اقتصاد کتاب جدا از تب ده روزه نمایشگاه از چنان وضعیت اسفناکی برخوردار است و مهمتر از همه چرا علاقه قشر جوان نسبت به کتاب و کتابخوانی روز به روز نزول پیدا می کند.

نگاه چهار:

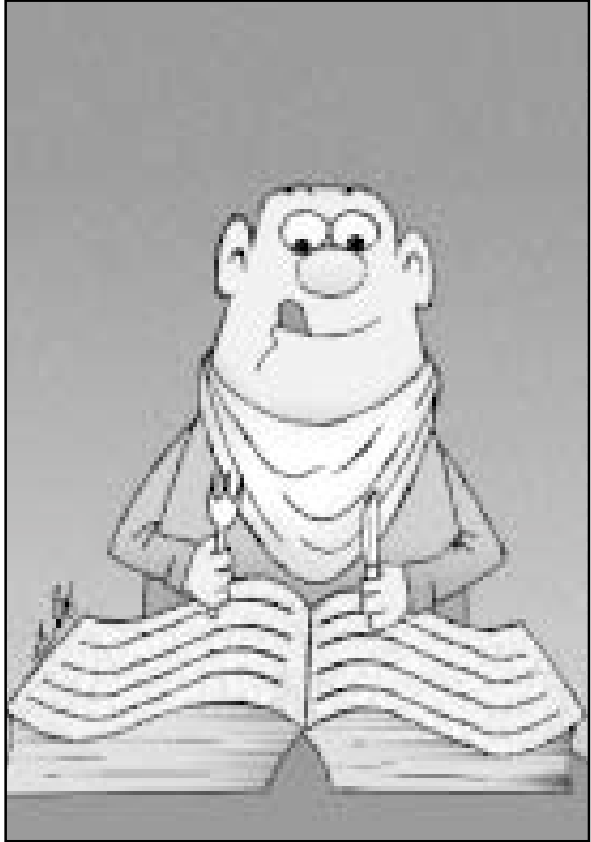
غرفه های تقریباً خلوت روز پنج شنبه سالن های نمایشگاه را یک به یک پشت سر می گذاری و تمامی حواست را معطوف می کنی به بازدید کنندگانی که اکثر حجمشان را طالبان کتب درسی و دانشگاه تشکیل می دهد و به یاد سخنان منتشر شده یکی از صاحب نظران که بیشترین حجم مراجعه کنندگان و خریداران نمایشگاه را افراد اهل نظر، مؤسسات فرهنگی و کتابخانه های دانشگاه عنوان کرده بود نتایج آخرین نظرسنجی سفارش داده شده از سوی ستاد برگزاری پانزدهمین نمایشگاه بین المللی را مرور می کنی: ۲۶٫۹ درصد قطعاً در نمایشگاه

از بی علافگی شدیدشان نسبت به مقوله کتاب و کتابخوانی، بیشتر آگاه شوی چنانکه ن .عزیزی می گوید: «اگر نخواهیم مثل توی فیلم ها و سریال ها حرف بزنیم یا فکر کنیم باید بگم که کتاب به هیچ دردی نمی خورد یا حداقل به درد من نمی خوره که یک دیپلمه ساده هستم ثانیاً آنقدر درد داریم که وقتی برای کتاب ورق زدن برامون نمی مونه، دختران و پسران جوان می گویند، می خندند و می روند و تنها طنین قهقهه های سرخوشانه اشان را در ذهنت بر جای می گذارند که اگر نخواهیم به بهانه های همیشگی استثناء بدون اینگونه افراد و ذهنیت ها به سادگی از کنارش بگذریم باید در جستجوی پاسخ به این سؤال برآیم که به واقع با وجود اینگونه نگاه ها در نسل جوان به مقوله کتاب و کتابخوانی ضرورت برگزاری نمایشگاه ده روزه از چه جایگاهی برخوردار است.

یکی از ناشران و داستان نویسان که چندان تمایلی به درج نام خود ندارد در پاسخ می گوید: به نظر من نمایشگاه یک ضرورت اجتناب ناپذیر است که سهل انگاری در برگزاری اش خیانت بزرگی به جامعه فرهنگی خواهد بود خصوصاً در شرایط فعلی که یکی از عمده ترین مشکلات بازار نشر کتاب عدم اطلاع رسانی و تبلیغات به مخاطب است که نمایشگاه در حال حاضر این وظیفه را تا حدودی بر دوش گرفته اما در کنار این مسأله این سؤال را نیز باید مطرح کرد که واقعاً نمایشگاه در چهارده دوره گذشته تا چه میزان توانسته به ارتقاء یا بهبود -اقتصاد کتاب -کمک کند که تیراژهای ۱۰۰۰-۲۰۰۰ تایی بهترین کارنامه و آمار برای پاسخگویی به این سؤال است ایشان در ادامه می افزاید: «من قویاً بر این نظرم که نمایشگاه تنها در صورتی مثمرتر خواهد بود که در ایام دیگر سال نیز به همین میزان تبلیغات در جهت ارتقاء جایگاه کتاب در نزد خانواده ها و افراد از سوی رسانه ها و مراکز فرهنگی صورت پذیرند که متأسفانه تاکنون چنین اتفاقی یا نیاftاده و یا در حجم فعالیت های عمدتاً سیاسی گم شده است به راستی صدا و سیما در طی شبانه روز تا چه میزان در جهت نهادینه کردن این فرهنگ فعالیت می کند؟ نقش مطبوعات در این بین چقدر است.»

نگاه شش:

تاریکی مردد اما در یک حرکت تمرین شده در حال شکستن روز است، فضای نمایشگاه رفته رفته شلوغ و شلوغ تر می شود هنوز حاشیه فروشان تمامی نمایشگاه ها با فریادهای رسای خود اجناس را بی دغدغه می فروشند و صدای مغناطیسی مرد از پشت بلندگوها علاقمندان را از حضور یک شخصیت سینمایی در یکی از سالن ها آگاه می سازد و تو به عنوان آخرین سؤال به هنگام تنه زدن های معمولی به آدم هایی که گهگاه چیزی هم نثارت می کنند و به قول یکی از ناشران، جوان هایشان عمدتاً به دلایل اقتصادی بیش از یک لشکر بی ساز و برگ نیستند از عواقب این فاصله عمیق بین جوان و کتاب می پرسی و آرام، آرام وداع را در



کنار یکی از مینی بوس هایی که متأسفانه فقط ۵۰ تومان کرایه اش را افزایش داده، زمرمه می کنی.

پی نوشت:

۱-گفت و گو با جواد مجابی -روزنامه نوروز شماره ۳۱۴